

رئولو موج کوتاه

آکسیوس:

**ترامپ ۳ تا روز به آتش بس مهلت می‌دهد**
پایگاه خبری آکسیوس گزارش داد ترامپ ۳ تا ه‌روز آتش بس را تمدید می‌کند تا به گفته او مقامات ایرانی به یک پیش‌نهاد منسجم برای مذاکرات دست یابند. به گزارش دیدبان ایران؛ از این پایگاه خبری، مذاکره‌کنندگان ترامپ معتقدند که دستیابی به توافق برای پایان جنگ و رسیدگی به آنچه از بر نامه هسته‌های ایران باقی مانده‌است، هنوز امکان‌پذیر است. آکسیوس افزود، ۴۸ ساعت گذشته برای کاخ سفید، به‌ویژه برای معاون رئیس‌جمهور و نس، که چمدان هایش را برای سفر به اسلام‌آباد برای رهبری دور دوم مذاکرات صلح بسته‌بود، بسیار ناامید‌کننده‌بود.

□□□

**در دیدار عارف با وزیر ارتباطات مطرح شد: مخالفت دولت با اینترنت طبقاتی**

**و هرگونه تفکیک دسترسی**

معاون اول رئیس‌جمهور، با تأکید بر پایداری شبکه‌های ارتباطی در شرایط جنگی، بر دسترسی عمومی و عادلانه به اینترنت، به‌عنوان یک حق اساسی برای همه شهروندان تأکید کرد و گفت: هر گونه تفکیک دسترسی، با رویکرد عدالت‌محور دولت موهنجانی ندارد. به گزارش ایلمنا، محمدرضا عارف در دیدار سیدستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات بر حمایت از کسبوکارهای دیجیتال تأکید کرد و گفت: تسهیل دسترسی این کسبوکارها به زیرساخت‌های ارتباطی، به‌ویژه اینترنت، برای حفظ پویایی اقتصاد کشور ضروری است. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز در این دیدار تأکید کرد دسترسی عادلانه و عمومی به اینترنت حق همه مردم است و سیاست‌ات وزیر ارتباطه فراهم‌سازی دسترسی با کیفیت و بدون تبعیض برای همه شهروندان است. ستاره‌هاشمی افزود: اینترنت طبقاتی و لیست سفید موضوعی ندارد و در سیاست‌گذاری‌های این حوزه جایی نخواهد داشت.

□□□

**نویان:**

**هیچکس نباید دنبال مذاکره برود**

عضو کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس ضمن اشاره به این نکته که هیچکس نباید دنبال مذاکره با آمریکا بود، مذاکره‌الان خسارت‌محض است. محمودنویان، در گفت‌وگوی در باب تنش‌های میان ایران و آمریکا مذاکره احتمالی پیش رو ضمن اشاره به این مساله که مذاکره ال‌ان خسارت محض است اظهار داشت: «در مذاکرات با کاستان یک خطای راهبردی داشتم ما نباید موضوع هسته‌های ابر بمباران به بحث می‌زدیم. این کار دشمن جری تر شد لذا از ما مطالبه کرد و گفت ما باید درصداً باید خارج بکنیم و ۲۰ سال باید جلوی آن را بگیریم و دورحرف‌های مزخرف دیگر که البته نپذیرفتیم و همه‌این‌ها برای این بود که ما اجازه دادیم این موضوع مطرح شود.» در بخش دیگری از اظهاراتش اشاره کرد: تا جایی ادامه بدیم که دشمن با احساس جرات حمله به ملت ایران را نداشته باشد و این باخارج نیروهای رزمی آمریکا از منطقه صورت می‌گیرد.

□□□

**بروردی:**

**گروسی عنصر نامطلوب و مزدور آمریکا و اسرائیل است**

عضو کمیسیون امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی، درباره اظهارات جدید افغان گروسی گفت: گروسی در افکار عمومی ملت ایران عنصر نامطلوب است؛ فردی که هنگام بمباران مراکز هسته‌ای ماتسور، ریم‌سپوینی و بعدهم آمریکا جنایتکار حتی یک خط هم آن را محکوم نکند، در واقع گروسی یک مزدور تمام‌عیار آمریکا و رژیم صهیونیستی است. علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با خبرنگار انجمن تأکید کرد: اگر من در جایگاه تصمیم‌گیری بودم، به هیچ‌وجه گروسی را به ایران راه نمی‌دادم؛ چراکه حتی در همین جنگ تحمیلی سوم، باصراحت اعلام کرد، راه‌مقابله‌با بر نامه هسته‌ای ایران، استفاده از بمب اتمی است؛ یعنی «وای به روزی که بگنجد نمک»، رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آستانه دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا رفت‌وگو باتلگراف گفت: هر توافقی برای پایان جنگ و محدود کردن بر نامه هسته‌ای ایران بدون راستی آزمایی آژانس، عملاً توافق نیست، بلکه «توهم توافق» است.

□□□

**یک مسئول در مجلس:**

**نظر مشاوران قابلبات**

**لزوما اعلام موضع او نیست**

یک‌مقام مسئول در مجلس، نظر مشاوران رئیس مجلس لزوما اعلام موضع رئیس مجلس نیست. به گزارش تسنیم، یک مقام مسئول در مجلس شورای اسلامی گفت: آقای قابلبات به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی مشاوران محترمی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی...و دارد که از نظرات آنها همواره بهره‌مندمی‌شود؛ بااین حال اعلام‌نظر این مشاوران که حق طبیعی آنهاست لزوماً به معنای اعلام‌موضع آقای قابلبات نیست. وی تأکید کرد: موضع آقای قابلبات، رئیس مجلس، از طریق مبادی رسمی ایشان در شبکه‌های اجتماعی و یا در گفتگوهای شخص ایشان اعلام می‌شود. یادآور می‌شود مهدی محمدی مشاور قابلبات، دیشب در شبکه ایکس در مورد تمدید یکطرفه آتش‌بس از سوی ترامپ، نوشت: تداوم محاصره و تفاوتی با بمباران ندارد و باید به آن پاسخ نظامی داد.

□□□

**فهرست مناطق مشمول اعلام شد**
**گسترش عملیات دریایی آمریکا علیه ایران**

وال استریت ژورنال نوشت: عملیات‌های دریایی واشنگتن علیه ایران از محدوده خاورمیانه فراتر رفته و به مناطق دیگر نیز گسترش یافته است؛ اقدامی که می‌تواند سطح تنش‌های دریایی را وارد مرحله جدیدی کند. به گزارش ایلمنا، روزنامه واشنگتن پست نوشت: مقامات امریکایی اعلام کرده‌اند که عملیات‌های دریایی ارتش آمریکا علیه ایران، به‌صورت گسترده و دیگر محدود به منطقه خاورمیانه نیست و مناطق خارج از این محدوده را نیز در بر می‌گیرد.

□□□

**انگلیس:**

**ما می‌خواهیم شاهد بازگشایی کامل تنگه بدون عوارض باشیم**

بریتانیا از تمدید ایالات متحده و ایران استقبال کرده‌و هم‌زمان بر ضرورت بازگشایی کامل تنگه هرمز اصرارگیری مذاکرات تأکید کرده‌است. به گزارش فرارو، ایوب کوپرو، وزیر امور خارجه انگلیس، در بیانیه‌ای گفت: «بریتانیا از تمدید آتش‌بس استقبال می‌کند. ما می‌خواهیم شاهد بازگشایی مذاکرات، توافق جامع و بازگشایی کامل تنگه بدون محدودیت با عوارض باشیم. هر گونه بازگشت به خصومت‌های یک‌سided شکست‌بزرگ برای منطقه، اقدامی نادرست و غیرعادلانه است.»

«آتش‌بس» یا «وقفهای ناپایدار» در دل جنگی که تمام نشده‌است؟

# تعلیق میان آتش و مذاکره

نیال فرخی

تهران این‌روزها در سکوتی نفس‌می‌کشد که بیش از آن که نشانه آرامش باشد، یادآور فاصله‌ای کوتاه میان دو صداست: فاصله‌ای میان آنچه بوده و آنچه ممکن است دوباره بازگردد. یا ماند؛ اعلام «آتش بس نامحدود» ترامپ تاکنون، به نظر می‌رسد که واقعبت صحنه بیش از آن که در گون‌گون شده باشد، تغییر شکل داده‌است.

اکنون نه جنگ به پایان رسیده و نه صلحی آغاز شده و آن چه شکل گرفته، وضعیت معلق است؛ وضعیتی که میان توقف و تداوم، میان امید و تردید قرار گرفته است.

واژه «نامحدود» در این میان، بیش از آن که اطمینان‌بخش باشد، به منبعی از ابهام بدل شده‌است. آتش‌بسی که زمان ندارد، الزام هم ندارد و نه چارچوب مشخصی برای دوام آن تعریف شده و نه حتی از سوی همه طرف‌ها به رسمیت شناخته شده است. به همین دلیل، آن چه اکنون برقرار است، بیشتر به یک تعلیق شباهت دارد تا یک توافق.

تعلیقی که هر لحظه می‌تواند به مسیر دیگری منحرف شود؛ به سمت مذاکره‌ای جدی‌تر یا به‌سوی بازگشت دوباره تنش.

**وقفهای در دل یک تقابل ادامه‌دار**

در نگاه ناظران، این آتش‌بس نه نقطه پایان، بلکه وقفه‌ای در دل یک تقابل ساختاری است. تقابلی که محدود به میدان جنگ نیست و از سطح نظامی تا عرصه دیپلماسی، اقتصاد و حتی امنیت انرژی امتداد پیدا کرده‌است. آن چه نقطه شده، صرفاً شدت برخورد و نه اهمیت آن است.

برای بسیاری از بازیگران بین‌المللی، این وقفه فرصتی برای مهار بحرانی است که می‌توانست ابعاد گسترده‌تری پیدا کند. بازارهای انرژی، مسیرهای حیاتی کشتیرانی و امنیت منطقه‌ای، همگی در آستانه‌ی بی‌ثباتی قرار گرفته بودند و آتش‌بس، ولو شکننده، به‌عنوان ترمزی موقت عمل کرد. اما همین ترمز، تضمینی برای توقف کامل نیست. اما این پرسش همچنان باقی است که آیا این وقفه می‌تواند به صلحی پایدار منتهی شود یا صرفاً تاخیری در بازگشت بحران است؟

**وزدور آمریکا و اسرائیل است**

**در ک وضعیت فعلی بدون توجه به پیوند میان میدان و دیپلماسی ممکن نیست. آنچه در مذاکرات اسلام آباد در قالب گفت‌وگوهای دیپلماتیک جریان دارد، همزمان در تنگه‌هرمز به شکلی دیگر ادامه پیدا می‌کند. هر مانور نظامی، هر هشدار و هر اقدام میدانی، بخشی از همان گفت‌وگویی است که در اتاق‌های بسته دنبال می‌شود**

**جایی که میدان و مذاکره به هم می‌رسند**

در ک وضعیت فعلی بدون توجه به پیوند میان میدان و دیپلماسی ممکن نیست. آنچه در مذاکرات اسلام‌آباد در قالب گفت‌وگوهای دیپلماتیک جریان دارد، همزمان در تنگه هرمز به شکلی دیگر ادامه پیدا می‌کند. هر مانور نظامی، هر هشدار و هر اقدام میدانی، بخشی از همان گفت‌وگویی است که در اتاق‌های بسته دنبال می‌شود.

در چنین شرایطی، مذاکره به یک فرآیند دوگانه تبدیل شده؛ از یک سو تلاش برای کاهش تنش در سطح رسمی و از سوی دیگر اعمال فشار در میدان برای تغییر موازنه در جریان است. همین هم‌زمانی، تحلیل را دشوارتر کرده، چراکه هر تحول در یکی از این دو سطح، می‌تواند دیگری را تحت تأثیر قرار دهد.

**دورواپاز یک آتش‌بس**

در داخل ایران، این آتش‌بس به سرعت به موضعی چندوجهی تبدیل شده است. در یک سو، روایتی شکل گرفته که این وقفه را نتیجه ایجاد توازن قوا و افزایش هزینه‌های جنگ برای طرف مقابل می‌داند. در این نگاه، آتش‌بس نه عقب‌نشینی، بلکه نقطه تعادل دیده می‌شود. این روایت بر این باور است که حتی یک وقفه کوتاه نیز می‌تواند زمینه‌ای برای بازتعریف روابط و کاستن از شدت بحران باشد.

اما این دو روایت، بیشتر از آن که صرفاً اختلافی سیاسی باشند، بازتاب یک واقعیت پیچیده‌ترند؛ واقعیتی که در آن، تصمیم‌گیری میان امنیت، اقتصاد و ملاحظات هویتی به‌سادگی ممکن نیست.

**نیوداجماع در دل یک تصمیم‌برگ**

یکی از ویژگی‌های برجسته این مقطع، نبود یک اجماع روشن در باره مسیر آینده است. در داخل، فشارهای اقتصادی و مطالبات اجتماعی، ضرورت کاهش تنش را پررنگ کرده‌اند، اما تجربه‌های گذشته و بی‌اعتمادی عمیق به طرف مقابل، مانع از شکل‌گیری یک توافق فرآگیر شده‌است.

در سطح بین‌المللی نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. برخی بازیگران به دنبال کاهش تنش و تثبیت وضعیت هستند، در حالی که برخی دیگر ترجیح می‌دهند فشار حفظ شود تا دست بالا در مذاکرات از دست نرود.

در چنین فضای، آن چه شکل گرفته، نه یک توافق کامل، بلکه نوعی همگرایی حداقلی بر سر مدیریت بحران است؛ بدون آن که درباره مسیر نهایی آن توافقی وجود داشته‌باشد.

**آینده‌ای که هنوز تعریف نشده‌است**

آینده در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری به یک معادله با ضرایب نامتناه دارد. چنان

که مذاکرات در اسلام‌آباد هنوز به چارچوبی مشخص نرسیده و آن چه جریان دارد، بیشتر تلاشی برای تعریف همین چارچوب است تا حرکت در مسیر مشخصی از پیش تعیین شده. هم‌زمان، تحولات میدانی در تنگه هرمز نشان می‌دهد که تنش، اگرچه کنترل شده، اما همچنان فعال است. این پیوند میان میدان و مذاکره، باعث شده که وضعیت فعلی نه به سمت ثبات کامل و نه به سوی فروپاشی کامل حرکت کند.

کمااین که در نهایت، آن چه این مقطع را متمایز می‌کند، نه صرفاً وجود آتش‌بس، بلکه تعلیقی است که در دل آن شکل گرفته‌است. تعلیقی که در آن، تصمیم‌نهایی هنوز گرفته نشده؛ یعنی نه تصمیم برای پایان جنگ و نه تصمیم برای آغاز صلح در دوسوی میدان هنوز به عملگرایی نرسیده‌است. همین وضعیت است که آینده را هم‌زمان به یک فرصت و یک تهدید تبدیل کرده؛ شاید حالا فرصتی برای تغییر مسیر و تهدیدی برای بازگشت به نقطه آغاز باشد.

**سناریوهای پیش‌رو**

**از میان تعلیق وامکان**
حال اگر در مرحله اول این وضعیت را بتوان به‌مثابه یک «تعلیق فعال» توصیف کرد، بخش دیگر آن به انتخاب‌هایی بازمی‌گردد که هنوز نهایی نشده‌اند. انتخاب‌هایی که نه فقط در سطح دیپلماسی، بلکه در میدان و حتی در فضای سیاسی داخلی در حال شکل‌گیری‌اند. در چنین وضعیتی، آینده نه بر اساس یک مسیر قطعی، بلکه بر مبنای چند سناریوی هم‌زمان پیش می‌رود؛ سناریوهایی که هر یک می‌تواند این آتش‌بس شکننده را به مسیری متفاوت هدایت کند.

نخستین سناریو، همان چیزی است که می‌توان آن را «فرصت دیپلماسی» نامید. در این چارچوب، آتش‌بس نه به‌عنوان یک وقفه موقت، بلکه به‌مثابه سکویی برای آغاز یک روند تدریجی در نظر گرفته می‌شود. روندی که شاید به توافقی جامع‌منجر نشود، اما بتواند سطح تنش را کاهش دهد و مسیر گفت‌وگو را تثبیت کند. در این نگاه، حتی

**در برابر سناریویی که آتش‌بس را فرصت می‌داند، سناریوی دیگری نیز قابل تصور است؛ وضعیتی که می‌توان آن را «تعلیق فرسایشی» نامید. در این حالت، نه جنگی فرآگیر می‌دهد، نه صلحی شکل می‌گیرد. آتش‌بس ادامه پیدا می‌کند، اما بدون آنکه به پیشرفتی واقعی در مذاکرات منجر شود. فشارهای اقتصادی باقی می‌ماند، فضای امنیتی حفظ می‌شود و جامعه در نوعی بلاتکلیفی طولانی مدت قرار می‌گیرد.**

**عضو کمیسیون فرهنگی از احتمال سلب تابعیت ایرانیان حامی جنگ خبر داد:**

## فروپاشی مرزهای قانون اساسی با مجازات‌های جدید

در قوانین سخت‌گیرانه‌ای مانند «قانون تشدید مجازات جاسوسی» نیز، هیچ اشاره‌ای به مجازاتی تحت عنوان «سلب تابعیت» نشده‌است. یعنی حتی در مواجهه با شدیدترین جرائم امنیتی، قانون‌گذار به خود اجازه نداده پای «هویت حقوقی افراد» را ویست بکشد.

با این حساب، باید از آقای اخلاقی امیری پرسید که وقتی قانون چنین مجازاتی را نمی‌شناسد، چطور «ممکن است سلب تابعیت اتفاق افتد»؟ دقیقاً بر چه مبنایی؟

این طور که به نظر می‌رسد برخی تربیون‌دارن رسمی، پیش از بیان چنین مواضعی، حتی ترفی در قانون اساسی به عنوان مبتدایی که مبنای مشروعیت ساختار سیاسی است، نداشته‌اند.

**هویت ملی، پاداش نیست؛ حق است**

اما مسئله فقط یک خطای حقوقی نیست؛ موضوع، عمیق‌تر از اینهاست و پای یک تغییر خطرناک در نگاه به حقوق شهروندی در میان است. حق تابعیت، چیزی فراتر از یک شناسه اداری است. این حق، شناسنامه هویتی افراد در نسبت با سرزمین، تاریخ و جامعه است. تابعیت، یعنی «بودن» در یک کشور؛ یعنی تعلق داشتن به یک جغرافیا و یک ملت. چنین حقی، نه‌قابل معامله است و نه‌قابل مصادره. با این حال، در برخی اظهارنظرها، نشانه‌هایی از یک رویکرد نگران‌ناک دیده می‌شود؛ رویکردی که در آن، حقوق بنیادین مردم

**رسانه عبری با پیش‌بینی تداوم آتش‌بس شکننده:**

## جنگ بدون نتیجه روشن پایان یافت

یک رسانه عبری در تحلیلی اذعان کرده‌است که جنگ اخیر آمریکا و اسرائیل علیه ایران نه تنها به تحقق اهداف پیش‌تعیین شده منجر نشده، بلکه در نهایت بدون دست‌آورد راهبردی برای مشخص پایان یافته و صرفاً به شکل‌گیری یک آتش‌بس شکننده و ناپایدار انجامیده‌است. به گزارش ایلمنا، روزنامه عبری «معاریو» در تحلیلی نوشت: جنگ اخیر پس از هفته‌ها درگیری و چند روز وضعیت «نه جنگ و نه صلح» بدون دستیابی هیچ طرفی به پیروزی قاطع به پایان رسیده و در حال حاضر می‌توان تنها از شکل‌گیری یک آتش‌بس شکننده سخن گفت.

شماره ۲۱۶۱ / پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۵ ذوالقعدة ۱۴۴۷ / ۲۳ آوریل ۲۰۲۶



با این حال، آن چه در نهایت تعیین‌کننده خواهد بود، نه صرفاً نقش میانجی‌ها، بلکه ترکیب پیچیده‌ای از راه‌دهایی، محاسبات امنیتی و مدیریت فضای داخلی است. چنان که عطریانفر، نیز در همین رابطه تأکید می‌کند که بهبود مذاکرات زمانی رخ می‌دهد که «جامعی نسبی حول این گزاره شکل گیرد که توافق، ابزاری برای تقویت منافع ملی است، نه تهدید آن.» جامعی که به گفته او، نه کامل، بلکه «حداقلی و مشروط» خواهد بود.

در سوی دیگر، اما احمد حدادی نیز بر ضرورت شکل‌گیری فضایی تأکید می‌کند که در آن، تصمیم‌گیری نه بر اساس هیجان و فشار، بلکه بر پایه عقلانیت و گفت‌وگوی ملی صورت گیرد. تأکید می‌دهد که حتی در صورت فراهم‌بودن شرایط خارجی، بدون آمادگی داخلی، هیچ توافقی پایدار نخواهد بود.

**تعلیق به‌مثابه سر نوشت موقت**

حال اما به نظر می‌رسد آن چه امروز در برابر ایران و منطقه قرار دارد، نه یک انتخاب ساده، بلکه مجموعه‌ای از مسیرهای درهم‌تنیده است. مسیرهایی که هر یک می‌تواند به نتیجه‌ای متفاوت منجر شود، اما هیچ‌یک از آن‌ها بدون هزینه نیست.

این گونه‌است که آتش‌بس «نامحدودی» که دونالد ترامپ از آن سخن می‌گوید، در واقع بیش از آن که نشانه پایان بحران باشد، بازتاب امنیتی وضعیت پیچیده می‌شود؛ وضعیتی که در آن، تصمیم‌نهایی به تعویق افتاده و نه جنگ به‌طور کامل کنار گذاشته شده و نه صلح به‌طور جدی آغاز شده‌است.

در این میان، آن چه بیش از همه اهمیت دارد، نحوه مواجهه با همین تعلیق است. آیا

**در این مقطع آن چه بیش از همه اهمیت دارد، نحوه مواجهه با همین تعلیق از بی اهمیت است. آیا این وقفه به فرصتی برای بازتعریف مسیر تبدیل می‌شود، یا به فرسایشی تدریجی که در نهایت به بازگشت بحران می‌انجامد؟ پاسخ به این پرسش، نه در یک تصمیم ناگهانی، بلکه در مجموعه‌ای از انتخاب‌های تدریجی شکل خواهد گرفت؛ انتخاب‌هایی که در اتاق‌های مذاکره، در میدان‌های عملیاتی و در فضای سیاسی داخلی هم‌زمان در حال شکل‌گیری‌اند و شاید مهم‌ترین واقعبت همین باشند که این بار، سر نوشت جنگ و صلح، نه در لفظ‌های واحد، بلکه در دل همین تعلیق نوشته می‌شود.**

**تفسیر جدید، پس گرفته‌شود؛ این دقیقاً همان نقطه‌ای است که امنیت حقوقی فرو می‌ریزد؛ از سوی دیگر، طرح چنین اظهاراتی ولو اینکه هرگز اجرایی نشود، مرزهای حقوقی را مخدوش می‌کند.**

وقتی یک مقام رسمی از مجازاتی سخن می‌گوید که در قانون وجود ندارد، این پیام به جامعه منتقل می‌شود که قانون، تنها یکی از گز نه‌هاست، نه مرجع نهایی.

**هشدار به بدعت‌گذاران وطن، ملک شخصی نیست**
ایران، ملک مشاع همه ایرانیان است، نه دارای یک جریان خاص و تابعیت، با مهر تأیید یا عدم تأیید سیاسی باطل نمی‌شود. بدیهی است که هر خائن به‌وطن مستحق مجازات است، اما گنجاندن عنوان «سلب تابعیت» در فهرست مجازات‌ها این نگرانی را ایجاد می‌کند که از این پس در موارد دیگری هم چنین احکامی داده‌شود و شاهد باشیم که با سلبهٔ سیاسی، مردم، املاک خود اخراج می‌کنند. اینکه برخی مولان، به‌سادگی از «سلب تابعیت» سخن می‌گویند، نه نشانه اقتدار، بلکه نشانه فاصله گرفتن از بدیهی‌ترین اصول حقوق عمومی است. چنین نگاهی، بیش از آنکه مشکلی را حل کند، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند و سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد.

اگرچه این جنس آنچه اخلاقی امیری گفته این شائبه را ایجاد می‌کند که حقوق شهروندی از جمله حق تابعیت قرار نیست همچنان به‌عنوان اصولی غیرقابل خدشه باقی‌مانند، ممکن است که به‌فهرست ابزارهای سیاست‌ورزی اضافه‌شود. این یک رنگ خطر جدی است درباره مرز میان «قانون» و «سلبهٔ» مرزی که گویا در حال کمرنگ شدن است و اگر ازین بیرون دیگر چیزی برای اتکاباتی نمی‌ماند؛ نه برای شهروندان، نه برای احکامت.



راهبردی» تأکید می‌کند که برتری هوایی و دریایی آمریکا و اسرائیل در میدان نبرد قابل انکار نبوده، اما میزان خسارت‌های وارد شده به توان موشکی و پهپادی ایران کمتر از برآوردهای اولیه بوده‌است.

معارو همچنین به نقش تنگه هرمز در این درگیری اشاره کرده‌نوشته است که ایران با استفاده از این گذرگاه راهبردی توانست فشار اقتصادی قابل توجهی بر بازارهای جهانی انرژی وارد کند و عملا بحران را از سطح منطقه‌ای به سطح بین‌المللی منتقل کند.

برخیزن یابانی این تحلیل آمده‌است که در شرایط فعلی، احتمال ورود آمریکا به عملیات زمینی بسیار پایین است و مسیر مذاکرات همچنان ادامه خواهد داشت. هر چند امکان دور‌های جدید تنش نیز منتفی نیست.

این روزنامه در جمع‌بندی خود تأکید کرده‌است که هیچ‌یک از طرف‌ها پیروزی کامل به‌دست‌نیابودند. آمریکا از درگیری عمیق‌تر عقب‌نشینی کرده، ایران توانسته تاوبی خود را حفظ کند و اسرائیل نیز به اهداف